

نسخه برگردان «مُجَمَّلُ الْأَقْوَالِ فِي الْحِكْمِ وَالْأَمْثَالِ»

مُجَمَّلُ الْأَقْوَالِ فِي الْحِكْمِ وَالْأَمْثَالِ/تألیف: احمد بن محمد دُمانِسی سیواسی.
(مورخ ۶۹۳ هـ... به خط مؤلف)، نسخه برگردان: ایرج افشار، محمود امید سالار.
تهران: طلایه، ۱۳۸۱، ۲۴ ص + ۱۶۸ برگ.
شابک ۹۶۴-۷۷۵۱-۱۵
کنجینه نسخه برگردان: ۲

باید کرد.» (ص ۱۴۳)
گاه داستان مثل یا «شان نزول» آن را هم بیان نموده: «بِحمدالله لا بحمدک، یعنی بشکر و سپاس خدای تعالی نه بشکر و سپاس تو. و این مثل را عایشه ... بمصطفی گفت آن روز که در حق عایشه آیت برآت فرود آمد و پیغامبر - علیه السلام - او را بدان بشارت داد و خبر کرد که حق تعالی در حق تو آیت فرو فرستاد، عایشه گفت: بحمدالله لا بحمدک، این مثل را آنجا باید گفت که کسی در خیری که بتو رسیده باشد بر تو منت نهد.» (ص ۱۴۳)

نمونه دیگر: «رهبوت خیر» من رحموت، یعنی ترسیدن بهتر از بخشودن. این مثل را یکی گفته است که او را بر نمی نمودن و حلم و وزیدن وصیت می کردند. او در جواب این بگفت یعنی آنک مردم مرا بدرستی عیب کنند و از من بترسند بهتر از آن بود که بحلم وصف کنند و بر من اهانت کنند و استخفاف نمایند.» (ص ۱۴۳)

ملاحظه می فرمایید نثر مؤلف شیوا و مفهوم و رساست، ولی این بدان معنایست که نشانه های اصالت و کهنگی در آن مشهود و محسوس نباشد. در یادداشت استاد افشار خصوصیات لغوی و سبک شناختی کتاب استخراج گردیده که ما خواننده را به تفصیل آن ارجاع می دهیم و در اینجا به بعضی نکات اشاره می کنیم.

از جمله واژه های کهن: بنجشک (ص ۶۲)، بیدادی (ص ۵۴)، فراشیب (ص ۱۵۶)، ناویژه (ص ۶۷)، همباز (ص ۱۱۴)، سفیلدن (ص ۲۸)، سرنجام (ص ۳۵ و ۳۶) و ... نکات رسم الخطی مهمی در این کتاب هست. از جمله اینکه نَب و ز و ج هم سه نقطه و هم با یک نقطه در آن دیده می شود (ص ۲۰ مقدمه)، ذال فارسی گاه با نقطه و گاه بی نقطه آمده است. زیر حرف سین غالباً سه نقطه گذاشته که هم اکنون خوشنویسان زیر سین کشیده از باب زینت سه نقطه می گذارند.

از جالب ترین خصوصیات این کتاب

کرده بود» (ص ۴) و مشخصاً بر اساس چند کتاب که در صفحه پنجم متن (ص هفده ۱۷ مقدمه ایرج افشار) ذکر شده، فراهم آمده است و در واقع کمکی برای منشیان آن روزگار است که عبارت مناسب یا مثل بجای و در خوری برای هر مورد و حاجتی بخواهند طبق فهرست، حاضر و در دسترس داشته باشند و از هفتاد باب «مؤتلفات» و هفت باب «مختلفات» آنچه می خواهند برگزینند هر باب مصدر، آیه یا آیتی است آنگاه احادیث نبوی و کلمات صحابه خصوصاً از سخنان علی علیه السلام و سپس از امثال و اشعار عربی و سخنان بزرگان (از جمله بزرگان ایران پیش از اسلام) ذکر شده است که همه جا حسن انتخاب و دقت مؤلف را می رسانند.

از ارزش های خاص این مجموعه ترجمه های آن است که گاه تحت اللفظی است و گاه به صورت اقتباس و نقل به معناست. یک نمونه تحت اللفظی می آوریم:

إذا كنت لا يُد مُسترباً

فمن اعظم الل فاسترب

چون باشی بناگزیر خاک پاشنده

پس ازیزرگر توده خاک پاش (ص ۷۶)

در مورد ضرب المثل ها، علاوه بر ترجمه فارسی، کاربرد آن را هم بیان کرده است: «مَنْ سَلَكَ الْجِدَّةَ آمَنَ الْعَارَ، یعنی هر که براه هاموار رود از بس در آمدن ایمن بود. این مثل را در محل آنک طلب راه سلامت کردن و کنج عافیت گزیدن اولیتر است استعمال

به فاصله یکی دو نسل بعد از حمله مغول نیز هنوز آثار فرهنگی ارزشمند و دست نخورده ایران و اسلام در نواحی اطراف ایران که دست مغول به آن نرسیده - یا هنوز نرسیده - دیده می شود و نمونه های عالی از شعر و نثر فارسی در هندوستان و در آسیای صغیر از قرن هفتم هجری باقی است که نشان می دهد مکتبی از پا افتاده اما از نفس نیتاده است.

از جمله آثار جالبی که هم به لحاظ بررسی تحولات خط و رسم الخط و تألیف و تصنیف و ترجمه، و هم به لحاظ سبک شناختی ارزشمند است و فی نفسه هم موضوعیت دارد و خواندنی است و مربوط به دوره مورد اشاره می شود (تاریخ تألیف و کتابت: ۶۹۳ هـ). مجموعه مُجَمَّلُ الْأَقْوَالِ فِي الْحِكْمِ وَالْأَمْثَالِ می باشد که از جمله نفایس کتابخانه مرحوم محدث ارموی بوده و عیناً نسخه برگردان شده است.

طبق آنچه کتاب شناس دانشمند و محقق ارجمند جناب استاد ایرج افشار در یادداشت اول کتاب آورده و حق استقصاء را گزارده اند نام مؤلف احمد بن احمد بن احمد دُمانِسی سیواسی است. (ص ۱۵) به گمان این جناب چون مؤلف صحبت از غربت می کند (ص ۳) بعید نیست خاندانش از مهاجران و گریختگان ایلغار مغول بوده باشند هر چند خود متولد سیواس بوده است. این کتاب از محفوظات و یادداشت های مؤلف در طول سالیان که به روزگار اختیار

علائم سجاوندی است. عین عبارات محقق کتاب را - که تعداد بی شماری نسخه خطی دیده‌اند - به لحاظ اهمیت مطلب نقل می‌کنم، نوشته‌اند: «این نسخه از نظر قواعد نسخه‌شناسی مزایا و تازگی‌هایی دارد که از آن جمله است: سه نقطه ریز در حاشیه به منظور توجه و بازنگری به مطلب، و: سه نقطه درشت‌تر برای ختم جمله، علامت ⑤ برای وقف و فاصله».

البته این را بیفزاییم که در نثر و شعر اصیل فارسی که ریخته‌قلم استادان ادب باشد کمتر نیازی به نشانه‌های سجاوندی هست و عبارات به طور طبیعی درست خوانده می‌شود و فی‌المثل کار عبثی است اگر کسی غزل «گفتم، گفتا» حافظ و سلمان و خواجو را علامتگذاری نماید.

گاهی مؤلف از ترجمه بعضی قسمت‌ها با توجه به عنوان آن بخش خودداری نموده که چون باسوادهای قدیم معمولاً قدری عربی هم می‌دانستند، قابل توجه می‌باشد. این معرفی مختصر را با نقل حکایتی که ضمناً نمونه نثر پخته و فصیح و

روان نویسنده است به پایان می‌بریم:

«... آورده‌اند که سه گاو یکی سپید و یکی سیاه و یکی سرخ در مرغزاری مقام ساخته بودند و آب و گیاهی نیک یافته و در آن مرغزار شیری بود که هر چند قصد تعرض این گاوان کردی بحکم اتفاق و اجتماعی که در میان آن هر سه گاو بود بریشان ظفر نمی‌یافت. شیر راه مکر و خدیعت پیش گرفت و بنزد گاو سیاه و گاو سرخ رفت و گفت که رنگ ما با هم متناسب است اما این گاو سپید رنگی مخالف دارد و درین بیابان مانند علمی از دور پدید است. مردمان از دور او را ببینند و برای صید قصد این مرغزار کنند و این بقعه را بر ما تنگ کنند، با من موافق باشید و مرا اجازت دهید تا او را بخورم و ماده ضرر او منقطع گردانم. هر دو گاو شیر را اجازت دادند شیر برفت و گاو سپید را بخورد. روزی چند بر آمد و گرسنگی دیگر باره بر شیر غالب شد بنزد گاو سرخ رفت و گفت این گاو سیاه نیز رنگی مخالف رنگ ما دارد و همان

آفت که از وجود گاو سپید متوقع بود با وجود او همان باقیست. مرا اجازت کن تا او را نیز بخورم تا ما مرفه و آسوده در این مرغزار روزگار گذرانیم. گاو سرخ نیز اجازت داد شیر برفت و گاو سیاه را نیز خورد. چون روزی چند برآمد شیر، دلیر بنزد گاو سرخ رفت و قصد خوردن او کرد. گاو دانست که قضا رسید و هیچ امان و مددی متوقع نیست. گفت: ای شیر فرمان تراست اما مهلتی ده تا سه ندا بکنم و آنچه در دل منست بصحرا افکنم. شیر گفت: بکن. گاو سرخ آوازی برآورد و بنالید و سه بار بگفت: «الا انما اكلت يوم اكل الثور الابيض» (برگ ۱۴۴ - ۱۴۵) یعنی بدرستی که خورده شدم آن روز که خورده شد گاو سپید.

علاقه‌مندان فرهنگ و ادب را به ملاحظه اصل کتاب توصیه می‌کنیم و توفیق ناشران را خواهانیم.

دکتر علیرضا ذکاوتی قراگزلو
(همدان)

ونعمت وجوانی در ثبت مشع دارد و بکمال مری در رسپاند بچهدواله
اجعرت واجهد لله ارباب العالمین، وصلى الله على خير خلق محمد وآله
الطيبين الطاهرين، وقد وقع الفراع منه على يد مولف الفقيه الفاضل
أحمد بن أحمد الدينوري رحمه الله تعالى وعوالده ورحمهم المليون وكان ذلك
في غرة ربيع الأول سنة ثلث وتسعين وسبعمائة، واجهد لله وآله الصلوات
على رسوله وآله الطاهرين وأهل بيته الطيبين الطاهرين،